

النقطة الخامسة: في صلة الإمام ع

محور پنجم:

در صلة امام ع

صلة الإمام طريق إلهي كبير ويسير لغفران الذنوب جميعاً كما وعد الله سبحانه، قال تعالى: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافاً كَثِيراً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) (1)، وقال تعالى: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ) (2)، فقد ورد عن أهل البيت (عليهم السلام) في بيان القرض الذي يضاعفه الله سبحانه أنه (صلة الإمام)، فعن إسحاق بن عمار عن أبي إبراهيم ع، قال: (سألته عن قول الله عز وجل: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ)، قال: **نزلت في صلة الإمام**) (3).

صلة امام همان طور که خدای سبحان وعده داده است- راه الهی بزرگ و آسانی برای آمرزش تمام گناهان است. حق تعالی می فرماید: **((کیست که به خدا قرض نیکو دهد تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟ خدا تنگدستی دهد و توانگری بخشد و شما به سوی او باز می گردید))**؛ (4) و نیز می فرماید: **((کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟))**؛ (5). از اهل بیت (عليهم السلام) در بیان قرضی که خداوند سبحان آنرا دو چندان می کند نقل شده است که آن قرض (صلة امام) است. اسحاق بن عمار از

1- البقرة : 245.

2- الحديد : 11.

3- الكافي : ج 1 ص 537 ح 4.

1- بقره: ۲۴۵.

2- حديد: ۱۱.

ابو ابراهیم امام موسسین جعفر ع نقل می کند: از ایشان درباره فرموده خدای عزوجل: **(کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟)** **﴿﴾** پرسیدم، ایشان ع فرمود: **(درباره صله امام نازل شده است). (۶)**

وصلة الإمام وإن كانت بالعمل وبالمال لإثبات حقه، ولا شك في أن العمل أفضل من إعطاء المال؛ لأن فيه إرهاباً للجسد وربما يصل إلى الجود بالنفس، إلا أن نظرنا هنا إلى الصلة بالمال باعتبار مناسبة إلحاقها بالخمس؛ لاشتراكهما معاً في أنهما - أي الخمس والصلة - مال خاص بالإمام ع.

اگرچه صله امام با عمل و با مال برای اثبات حق وی محقق می شود و هیچ شکی در این نیست که عمل از دادن مال برتر است زیرا متحمل خستگی و فرسودگی شدیدی برای جسم است و چه بسا به گذشتن از جان هم بینجامد. اما در اینجا به صله با مال از نقطه نظر تناسب داشتن ضمیمه شدن آن به خمس می نگریم، از این وجه اشتراک که هر دو (خمس و صله) مالی هستند که مخصوص امام ع می باشند.

عن الخبيري ويونس بن ظبيان، قالوا: سمعنا أبا عبد الله ع يقول: **(ما من شيء أحب إلى الله من إخراج الدراهم إلى الإمام، وإن الله ليجعل له الدرهم في الجنة مثل جبل أحد، ثم قال: إن الله تعالى يقول في كتابه: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً)، قال: هو والله في صلة الإمام خاصة) (7).**

خبیری و یونس بن ظبیان می گویند: شنیدیم اباعبدالله امام صادق ع می فرمود: **(هیچ چیزی در نظر خدا محبوب تر از رساندن درهمها به امام نیست. همانا خداوند در بهشت درهم را برای وی همچون کوه احد قرار می دهد. حق تعالی در کتابش می فرماید: ﴿﴾ (کیست که به خدا قرض نیکو دهد تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟) ﴿﴾** می فرمود: **(به خدا قسم این قرض به طور خاص صله امام است). (۸)**

۳- کافی: ج ۱/ ص ۵۳۷/ ح ۴.

۷- الکافی: ج ۱ ص ۵۳۷ ح ۲.

۱- کافی: ج ۱/ ص ۵۳۷/ ح ۲.

فصلة الإمام يعبر عنها الله سبحانه وتعالى بأنها قرض له سبحانه وتعالى وهو الذي يسدده، وسداده منه سبحانه يكون بشكر الله ذلك العبد؛ لأنه عبد شكر نعمة الله عليه بوليه وحجته وسعى لآخرة سعيها معه (9).

بنابراین خداوند سبحان و متعال از صله امام به عنوان قرضی به خودش یاد می کند و خود او آنرا بازپس می دهد و بازگرداندن آن از سوی او با تشکر و سپاس گزاری از آن بنده توسط خدا خواهد بود؛ زیرا وی بنده ای است که نعمت خدا را، با ویش و حجتش را شکر نموده و به همراه وی برای آخرت نهایت کوشش را انجام داده است. (۱۰)

قال السيد أحمد الحسن ع: (فكم هي الرحمة عظيمة إذا كان الحجة بين أظهر الناس، حيث فُتح هذا الباب العظيم، وهو أن يكون الإنسان بصلة الإمام ع قد أقرض الله، فيقف يوم القيامة بين يدي الله فيوفيه الله هذا القرض، وهذا العبد لو جاء بعدد رمال البر ذنوباً لغُفرت له؛ لأن له قرضاً عند الله ديان يوم الدين، وهو يعطي الكثير بالقليل، وعطاؤه بلا حساب، فيسدد الله جميع ديون هذا العبد، وذنوبه مع العباد، ويدخله الجنة بغير حساب) (11).

سید احمد الحسن ع می فرماید:

بنابراین چه رحمت عظیمی است که حجت بین مردم (ظاهر) باشد؛ چرا که باب عظیمی گشوده می شود، بابی که انسان با صله امام ع، به خداوند قرض می دهد و روز قیامت در پیشگاه خدا می ایستد و خداوند این قرض را تمام و کمال به او باز می گرداند و اگر این بنده به تعداد شن های بیابان با خود گناه آورده باشد، برای او بخشیده می شود. از برای او نزد خداوند دینان یوم الدین، قرضی است و خدا در مقابل اندک و ناچیز بسیار عطا می نماید. (يُعطي الكثير بالقليل) و عطای او بی شمار است. خداوند تمام بدهی های این بنده و تمام حقوقی که از بندگان بر عهده او بوده است را تسویه می کند و بی حساب به بهشت واردش می نماید. (۱۲)

9- راجع الملحق (3).

2- به پیوست ۳ مراجعه کنید.

11- المتشابهات : الجزء الرابع / سؤال رقم (150).

1- متشابهات ج ۴ / پرسش شماره ۱۵۰.

هذا بعض فضل (صلاة الإمام)، وهي أمر مرغّب فيه في كل وقت، قلّ أو كثر، وفضلها عند الله كبير كما رأينا، إلا أن الواجب منها هو إعطاء صلاة الإمام عند حضور صلاة الجمعة.

این (تنها) بخشی از فضیلت «صلاة امام» بود و «صلاة امام» عملی است که در هر زمانی به آن ترغیب و سفارش شده است - چه اندک باشد و چه بسیار - و فضیلت آن نزد خدا همان گونه که دیدیم - عظیم است؛ البته واجب آن، اعطای صلاة امام هنگام حضور در نماز جمعه است.

ثم إن الصلاة هي مال للإمام - كالخمس - يضعه حيث يشاء، ومن ثم فما قلناه في خاتمة الخمس مما يتعلق بالتسليم، ومن يحق له الاستلام يأتي هنا أيضاً بلا فرق.

به علاوه بیشک؛ صله، مالی مختصّ امام است همانند خمس - که آنرا هر کجا بخواهد قرار می دهد. از این نظر، آنچه در خاتمه خمس درباره تحویل آن و کسی که حق تحویل گرفتن را دارد بیان کردیم، بی هیچ اختلافی شامل این مورد نیز می گردد.

كان هذا آخر ما تم تحريره في هذه الرسالة الموجزة، وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً.

غرة شعبان المعظم / ١٤٣١

این آخرین مطلبی بود که در این رساله مختصر و کوتاه نگاشته شد.

و آخر دعوانا أن

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمه و المهديين و سلم تسليماً

و نهایت دعای ما اینکه

سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است و صلوات تام و تمام خدا بر محمد و آل محمد، ائمه و مهدیین باد!

اول شعبان المعظم ١٤٣١ هـ ق

٢٢ تیر ١٣٨٩ هـ ش

